

ما هو الصحيح عن سؤال رقم « ۱ إلى ۱۱ »

- ۱- جَلَسَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ أَمَامَ التَّلْفَازِ مُشْتَاقِينَ، يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي الْمَطَارِ.
- (۱) با اشتیاق - فرودگاه  
(۲) مشتاق - ایستگاه  
(۳) مشتاق بودن - باران  
(۴) شوق داشتن - باران ها
- ۲- فَرَأَى دُمُوعَهُمَا تَتَسَاقَطُ مِنْ أَعْيُنِهِمَا. فَسَأَلَ عَارِفٌ وَالِدَهُ مُتَعَجِّبًا
- (۱) عرق ها - پیشانی ها  
(۲) اشک - آشکار  
(۳) آب ها - چشمه ها  
(۴) اشک ها - چشمان
- ۳- لِمَ تَبْكِي. وَقَدْ كُنْتَ فِي الْحَجِّ فِي الْعَامِ الْمَاضِي؟!
- (۱) نگر هست - ماه  
(۲) گریه نکرد - سال  
(۳) چرا گریه می کنی - سال  
(۴) گریه نمی کنی - ماه
- ۴- حِينَمَا أَرَى النَّاسَ يَذْهَبُونَ إِلَى الْحَجِّ، تَمُرُّ أُمَامِي ذِكْرِيَاتِي حِينَ زُرْتُ أَنَا...
- (۱) تلخ می شود - خاطرم  
(۲) می گذرند - خاطراتم  
(۳) کدر می شود - حافظه ام  
(۴) عبور می کند - یادم
- ۵- وَلَكِنَّكَ أَدَيْتَ فَرِيضَةَ الْحَجِّ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ مَعَ أُمِّي! الْأُمُّ: لَقَدْ اشْتَقَّ أَبُوكُمْ إِلَى الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ:
- (۱) انجام دادی - شاید مشتاق شده باشد  
(۲) عمل کردی - مشتاق می شد  
(۳) ادا کردی - مشتاق شده بود  
(۴) بجا آوردی - مشتاق شده است
- ۶- أَأَنْتِ مُشْتَاقَةٌ أَيْضًا؛ يَا أُمَاهُ؟ الْأُمُّ: نَعَمْ، بِالتَّأَكِيدِ يَا بِنْتِي.
- (۱) ای مادر جان - قطعاً - پسر م  
(۲) ای مادرم - البته - پسر کم  
(۳) ای مادر - تاکید کردن - پسر کوچک  
(۴) مادرش - البته - پسر م

۷- أَتَذَكَّرُ خِيَامَ الْحُجَّاجِ فِي مِثْيَ وَأَعْرَفَاتٍ .

- (۱) آیا به یاد می آوری - خیمه ها  
(۲) به یاد آوردی - چادرها  
(۳) به یاد می آورم - خیمه ها  
(۴) تذکر می دهم - چادرها

۸- الْأُمُّ: وَ أَنَا أَتَذَكَّرُ جَبَلَ النَّوْرِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ يَتَعَبَّدُ فِي غَارِ حِرَاءِ الْوَادِعِ فِي قِمَّتِهِ .

- (۱) عبادت می کند - بالا  
(۲) عبادت کرده بود - رأس  
(۳) عبادت می کند - درون  
(۴) عبادت می کرد - قلّه

۹- الْأُمُّ: لَا، يَا بِنْتِي. الْغَارُ يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ، لَا يَسْتَطِيعُ صُعُودَهُ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ.

- (۱) ای دخترم - نمی توانست  
(۲) ای دخترکم - نمی تواند  
(۳) ای دختر کوچک - توانایی ندارد  
(۴) ای فرزندم - نخواهد توانست

۱۰- وَ أَنْتِ تَعْلَمِينَ أَنَّ رِجْلِي تُوَلِّمُنِي.

- (۱) می دانستی - پایم درد مند است  
(۲) دانستی - پایم عذابم می دهد  
(۳) می دانی - پایم درد می کند  
(۴) آگاه هستی - درد پایم

۱۱- هَلْ رَأَيْتُمَا غَارَ تَوْرَ الَّذِي لَجَأَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ؟ لَا، يَا عَزِيزَتِي؛ أَنَا أَتَمَنَّى أَنْ أَتَشَرَّفَ إِلَى هُنَاكَ وَأَزُورَهُ .

- (۱) رفت - خواهشمندم - دیدار می کنم  
(۲) پناه بُرد - آرزو می کنم - زیارت کنم  
(۳) پناه بُرد - تمنا دارم - زیارت کرد  
(۴) رفت - امیدوارم - زیارت کردم

۱۲- عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي الْمَفْرَدِ وَالْجَمْعِ:

- (۱) الرَّجُلُ — الرَّجَالُ  
(۲) الْخِيَامُ — الْخِيَمَةُ  
(۳) الْقِمَمَ — الْقِمَّةَ  
(۴) الْأَلَامَ — الْأَمَمَ

\*\*\* \_\_\_\_\_ إنتخبُ للفراغِ كلمةً مناسبةً عن سؤالِ رقمِ ١٣ إلى ٣٠ \_\_\_\_\_ \*\*\*

١٣- جَلَسَ أعضاءُ الأُسرةِ أَمَامَ ..... مُشْتاقِينَ .

(١) الدُّمُوعِ (٢) التَّلْفَازِ (٣) الحَجِّ (٤) الماضِ

١٤- رَأَى دُمُوعَهُمَا تَتَساقَطُ مِنْ ..... هِمَا

(١) أَرْجُلِ (٢) أَيْدِي (٣) رَأْسِ (٤) أَعْيُنِ

١٥- تَمَرُّ أَمَامِي ذِكْرِيَاتِي حِينَ ..... أَنَا وَ أُمُّكَ هَاتَيْنِ المَدِينَتَيْنِ المَقَدَّسَتَيْنِ

(١) أَبْكِي (٢) أَذْهَبُ (٣) أَزُورُ (٤) أَقُولُ

١٦- لَكَنَّكَ ..... فَرِيضَةَ الحَجِّ فِي السَّنَةِ المَاضِيَةِ مَعَ أُمِّي !

(١) بَكَيْتَ (٢) أَذَيْتَ (٣) رَمَيْتَ (٤) سَعَيْتَ

١٧- أَتَذَكَّرُ ..... الحُجَّاجِ فِي مِنيَ<sup>١</sup> وَ عَرَفاَتِ، وَ رَمَى الجَمَراتِ .

(١) الطَّوْفِ (٢) السَّعَى (٣) فَوْقَ (٤) خِيَامِ

١٨- الأُمُّ: لا، يا بُنَيَّتِي. .... يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ .

(١) البَقِيْعُ الشَّرِيفُ (٢) غَارُ حِراءِ (٣) مِنيَ<sup>١</sup> وَ عَرَفاَتِ (٤) الحَجِّ

١٩- لَمْ تَصْعَدْ وَالدَّةَ عارِفِ جَبَلِ النُّورِ لِأَنَّ ..... كَانَتْ تُؤَلِّمُهَا .

(١) دُمُوعَهَا (٢) عَيْنُهَا (٣) يَدُهَا (٤) رِجْلُهَا

٢٠- جَلَسَ أعضاءُ الأُسرةِ ..... .

(١) يَكُونُ مُرْتَفِعاً (٢) أَمَامَ التَّلْفَازِ (٣) الحُجَّاجِ فِي المَطَارِ (٤) وَالدِّ الأُسرةِ

www.my-dars.ir

٢١- يَكُونُ جَبَلُ النُّورِ .....

(١) فِي العَامِ المَاضِي (٢) مُرْتَفِعاً (٣) إِشْتاقَ إِلَيْهِ (٤) مُجَدِّاً

۲۲- ..... الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ الْيَوْمَ .

(۱) يُشَجِّعُ (۲) يَرْجِعُ (۳) يَجْتَهِدُ (۴) وَصَلَ

۲۳- إِنَّهُ رَجُلٌ صَادِقٌ وَصَبَّارٌ وَ..... .

(۱) ظَالِمٌ (۲) مُتَكَبِّرٌ (۳) مُحْتَرَمٌ (۴) خَبَّارٌ

۲۴- مُصَلِّحُ السِّيَّارَاتِ أَخَذَ سَيَّارَتَنَا إِلَى مَوْقِفِ تَصْلِيحِ السِّيَّارَاتِ لِأَنَّهَا .....

(۱) جَمِيلَةٌ (۲) جَرَّارَةٌ (۳) مُزَارِعٌ (۴) مُعْطَلَةٌ

۲۵- ..... سَيَّارَةٌ نَسْتَعِدِّمُهَا لِلْعَمَلِ فِي الْمَزْرَعَةِ .

(۱) الْمَوْقِفُ (۲) الطَّائِرَةُ (۳) الْمَصْنَعُ (۴) الْجَرَّارَةُ

۲۶- ..... مَكَانٌ وَقُوفِ السِّيَّارَاتِ وَ الْحَافِلَاتِ .

(۱) الْمَطَارُ (۲) الْمَصْنَعُ (۳) الْمَوْقِفُ (۴) الْمَحْفِلُ

۲۷- ..... أَعْلَى الْجَبَلِ وَرَأْسُهُ .

(۱) الْأَكْتَاFُ (۲) الْقِمَّةُ (۳) الْمَائِدَةُ (۴) الْحَافِلَةُ

۲۸- يَعِيشُ صَدِيقِي الْمُصَلِّحُ فِي .....

(۱) الْحَمَامَةُ (۲) الْعُصْفُورُ (۳) الْأَسْنَانُ (۴) الثُّرَى

۲۹- هَذِهِ السَّمَكَةُ ..... صِغَارَهَا عِنْدَ الْخَطْرِ ، ثُمَّ ..... هِيَ بَعْدَ زَوَالِهِ .

(۱) تُخْرِجُ - تَبْلَعُ (۲) تُطْلِقُ - تُخْرِجُ (۳) تَبْلَعُ - تُخْرِجُ (۴) تُطْلِقُ - تَبْلَعُ

۳۰- عِنْدَمَا تَسْقُطُ الْحَشْرَةُ عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ ..... سَمَكَةُ السَّهْمِ

(۱) تَبْلَعُهَا (۲) تَمْنَعُهَا (۳) تَذْكُرُهَا (۴) تُصَلِّحُهَا

\*\*\* \_\_\_\_\_ اِنْتَخِبِ الْأَصْحَّ وَالْأَدَقَّ فِي التَّرْجُمَةِ عَنْ سَوَالِ رَقْمِ ٣١ إِلَى ٤٦ \_\_\_\_\_ \*\*\*

۳۱- كَانَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ جَلَسُوا أَمَامَ التَّلْفَازِ مُشْتَاقِينَ، يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي الْمَطَارِ.

- ۱) أفراد خانواده با اشتیاق مقابل تلویزیون نشستند در حالیکه حاجیان را در فرودگاه مشاهده می کردند.
- ۲) اعضای خانواده با شوق فراوان در برابر تلویزیون نشستند و حاجیان را در فرودگاه مشاهده می کنند .
- ۳) اعضای خانواده با اشتیاق جلوی تلویزیون نشسته بودند در حالیکه حاجیان را در فرودگاه مشاهده می کردند.
- ۴) أفراد خانواده بودند که با شوق مقابل تلویزیون نشستند و حاجیان را در فرودگاه مشاهده کردند.

۳۲- نَظَرَ «عَارِفٌ» إِلَى وَالِدَيْهِ، فَرَأَى دُمُوعَهُمَا تَتَسَاقَطُ مِنْ أَعْيُنِهِمَا.

- ۱) «عارف» پدر و مادرش را دید ، پس اشک هایشان را مشاهده کرد که از گونه هایشان جاری گشت.
- ۲) «عارف» به پدر خود نگاه کرد ، و اشک هایش را دید که از چشمانش جاری می گشت.
- ۳) «عارف» به والدین خود نگاهی کرد ، در حالیکه اشک هایشان از چشمانشان جاری می گشت.
- ۴) «عارف» به پدر و مادرش نگاهی کرد ، و اشک هایشان را دید که از چشمانشان جاری می گشت.

۳۳- سَأَلَ عَارِفٌ وَالِدَهُ مُتَعَجِّبًا: يَا أَبِي، لِمَ تَبْكِي وَقَدْ كُنْتَ فِي الْحَجِّ فِي الْعَامِ الْمَاضِي؟!

- ۱) عارف با شگفتی از پدر پرسید: ای پدر ،چرا گریه می کنی و حال آنکه سال گذشته در حج بودی؟!
- ۲) عارف با تعجب از پدرش پرسید: ای پدرم ،چرا گریه می کنی در حالیکه سال گذشته در حج بودی؟!
- ۳) عارف با شگفتی از پدرش پرسید: پدر ،چرا گریه نکردی در حالیکه سال گذشته در حج بودی؟!
- ۴) عارف شگفت زده از پدر سؤال کرد: ای پدرم ،مگر گریه نکردی در حالیکه سال گذشته در حج بودی؟!

۳۴- كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَ يَرِي هَذَا الْمَشْهَدَ، وَيَتَذَكَّرُ الْأَمَاكِنَ الْمُقَدَّسَةَ يَشْتَاقُ إِلَيْهَا.

- ۱) هر مسلمانی وقتی که این صحنه را می دید و مکان های مقدس را به یاد می آورد به آنها اشتیاق پیدا می کرد.
- ۲) همه مسلمانان وقتی این صحنه را می بینند و مکان های مقدس را به یاد می آورند به آنها اشتیاق پیدا می کنند.
- ۳) هر مسلمانی هنگامی که این صحنه را می بیند و مکان های مقدس را به یاد می آورد به آنها اشتیاق پیدا می کند.
- ۴) همه مسلمانان وقتی که این صحنه را دیدند ، مکان های مقدس را به یاد آوردند و به آنها اشتیاق پیدا کردند.

۳۵- كُنْتُ أَتَذَكِّرُ جَبَلَ النُّورِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ يَتَعَبَّدُ فِي غَارِ حِرَاءِ الْوَاقِعِ فِي قِمَّتِهِ.

- ۱) کوه نور را بیاد می آورم که پیامبر(ص) در غار حراء واقع در قلّه اش عبادت می کرد.
  - ۲) من کوه نور را بیاد می آوردم که پیامبر(ص) در غار حراء واقع در قلّه اش عبادت می کرد.
  - ۳) کوه نور را بیاد آورده بودم که پیامبر(ص) در غار حراء واقع در قلّه اش عبادت کرده بود.
  - ۴) من کوه نور را بیاد آوردم در حالی که پیامبر(ص) واقع در قلّه اش در غار حراء عبادت می کرد.
- ۳۶- يَا بِنْتِي، الْغَارُ يَقَعُ فَوْقَ الْجَبَلِ الْمُرْتَفِعِ، لَنْ يَسْتَطِيعَ صُعُودَهُ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ.

- ۱) ای دخترم ، غار بالای کوه بلندی قرار دارد ، فقط افراد نیرومند خواهند توانست از آن بالا بروند.
  - ۲) ای دخترکم ، غار بالای کوه بلند واقع شده است ، بجز افراد توانمند کسی نمی تواند از آن بالا برود.
  - ۳) ای دختر کوچکم ، غار بالای کوه بلندی قرار دارد ، جز قوی ها کسی نمی تواند از آن بالا برود.
  - ۴) ای دخترم ، غار روی کوه بلندی واقع است ، بجز نیرومندان کسی نخواهد توانست از آن بالا برود.
- ۳۷- كَانَ الْمُتَفَرِّجُونَ يُشَجِّعُونَ فَرَحِينَ فَرِيْقَهُمُ الْفَائِزَ أُمْسٍ .

- ۱) روز گذشته تماشاگران تیم برنده شان را شادمانه تشویق کرده بودند.
  - ۲) فردا تماشاچیان تیم پیروزشان را با شادی تشویق می کنند.
  - ۳) تماشاچیان دیروز تیم شان را پیروزمندانه تشویق می کردند و خوشحالی می کردند..
  - ۴) دیروز تماشاگران تیم پیروزشان را با خوشحالی تشویق می کردند.
- ۳۸- لَمْ تَجْتَهِدِ الطَّالِبَاتُ الْمُشَاغِبَاتُ فِي أَذَاءِ وَاجِبَاتِهِنَّ رَاضِيَاتٍ وَ مَا سَاعَدْنَ أُمَّهِنَّ .

- ۱) دانش آموزان تنبل در انجام تکلیفشان باخشنودی تلاش نکردند و به مادرشان کمک نکردند.
- ۲) دانش آموزان در انجام تکالیفشان رضایتمندانه تلاش کردند و به مادرشان کمک کردند.
- ۳) دانش آموزان اخلاکگر در انجام تکالیفشان رضایتمندانه تلاش نکردند و به مادرشان کمک نکردند.
- ۴) دانش آموزان شلوغ کننده در عمل به تکالیفشان باخشنودی تلاش نکردند ولی به مادرشان کمک کردند.

۳۹- ما هو الصحيح؟ گروه آموزشی عصر

- ۱) رَأَيْتُ الْفَلَّاحَ وَ هُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ : کشاورز را دیدم، و او محصول را جمع می کند.
- ۲) أَشَاهِدُ زَمِيلِي وَ هُوَ جَالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ : همکلاسی ام را می بینم، درحالی که میان درختان نشسته بود.
- ۳) يَعْمَلُ الْمُهَنْدِسُ الشَّابُّ مُبْتَسِمًا فِي الْمَصْنَعِ : مهندس جوان با خوشحالی در کارخانه کار می کند.
- ۴) اَلطَّالِبَاتَانِ الْمُجِدَّتَانِ تَقْرَأَنِ دُرُوسَهُمَا : دو دانش آموز ، تلاشگرانه درس هایشان را می خوانند.

۴۰- اتَّصَلَ السَّيِّدُ مُسْلِمِيٌّ بِصَدِيقِهِ مُصَلِّحِ السِّيَّارَاتِ؛ لَكَيْ يُصَلِّحَ سَيَّارَتَهُمْ .

- ۱) آقای مسلمی با دوست تعمیرکار خود، تماس گرفت تا خودروی شان را تعمیر کند.
- ۲) آقای مسلمی با دوستش تعمیرکار خودرو تماس گرفت تا خودروی آنها را تعمیر کند.
- ۳) آقای مسلمی برای تعمیر خودروی شان با دوستش تعمیرکار خودرو تماس تلفنی برقرار کرد .
- ۴) آقای مسلمی با تعمیرکار خودروی دوستش تماس گرفت تا خودرواش را تعمیر کند.

۴۱- ما هو الخطأ ؟

- ۱) جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْأَطِلُ : حق آمد و باطل نابود شد.
- ۲) وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ : از بردباری و نمازتان یاری بجویید .
- ۳) فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ : بی گمان حزب خدا چیره شدگان اند.
- ۴) كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ : هر کسی چشنده ی مرگ است .

۴۲- سَمَكَةٌ السَّهْمِ مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ فِي الصَّيْدِ .

- ۱) ماهی تیرانداز از ماهی های شگفت انگیز در شکار کردن است .
- ۲) ماهی تیرانداز از شگفت انگیز ترین ماهی ها در شکار کردن است .
- ۳) برخی از ماهی ها سهم شگفت انگیزی در شکار کردن ماهی های دیگر دارند .
- ۴) تیراندازی یک نوع ماهی از شگفت ترین موضوعات در شکار کردن ماهی ها است .

۴۳- هُوَ أَسْمَاكِ الزَّيْنَةِ مُعْجِبُونَ بِهَذِهِ السَّمَكَةِ، لِأَنَّهَا تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ الْفَرَّاسَ الْحَيَّةَ .

- ۱) علاقه مندانی ماهی های زینتی از این ماهی خوششان می آید زیرا ( این علاقه مندانی دوست دارند شکارهای زنده را بخورند.
- ۲) هواداران ماهی های زینتی از این ماهی ها خوششان می آید زیرا ( این ماهی ها) دوست دارند شکارها را زنده بخورند.
- ۳) هواداران، از این ماهی های زینتی در تعجب هستند زیرا ( این ماهی ها) دوست دارند شکارهای زنده را بخورند.
- ۴) علاقه مندانی ماهی های زینتی از این ماهی خوششان می آید زیرا ( این ماهی ها) دوست دارند شکارهای زنده را بخورند.

۴۴- سَمَكَةُ التِّيَلِيَا مِنْ أَغْرَبِ الْأَسْمَاكِ تُدْفِعُ عَنْ صِغَارِهَا وَهِيَ تَسِيرُ مَعَهَا .

- ۱) ماهی تیلاپیا از عجیب ترین ماهیهاست که از بچه هایش دفاع می کند در حالیکه همراهش حرکت می کنند.
- ۲) تیلاپیا از ماهی های عجیبی است که از بچه هایش دفاع می کند و همراهشان حرکت می کند.
- ۳) ماهی تیلاپیا یک ماهی شگفت انگیزی است که از کوچک ترها دفاع می کند در حالیکه همراهشان حرکت می کند.
- ۴) ماهی تیلاپیا از عجیب ترین ماهیهاست که مدافع بچه هایش است و درزندگی با آنها همراهی می کند.

۴۵- هَذِهِ السَّمَكَةُ تَبْلَعُ صِغَارَهَا عِنْدَ الْخَطَرِ؛ ثُمَّ تُخْرِجُهَا بَعْدَ زَوَالِهِ .

- ۱) این نوع ماهی، بچه اش را هنگام خطر می بلعد و بعد از برطرف شدن آن، آن ها را بیرون می آورد.
- ۲) آن ماهی زمان خطر بچه هایش را می خورد و پس از رفع خطر آن ها را بیرون می اندازد.
- ۳) این ماهی بچه هایش را هنگام خطر می بلعد سپس بعد از رفع خطر آن ها را خارج می سازد.
- ۴) این ماهی هنگام خطر، ماهی های کوچک تر را می بلعد سپس بعد از رفع خطر آن ها را رها می سازد.

۴۶- مَا هُوَ الصَّحِيحُ؟

- ۱) كَأَنَّ الْإِنْسَانَ قَدْ خُلِقَ ضَعِيفًا: شاید انسان ، ضعیف آفریده شده باشد .
- ۲) لَيْتَ الْإِنْسَانَ الضَّعِيفَ قَدْ خُلِقَ: ای کاش انسان، ضعیف آفریده می شد .
- ۳) إِنَّ الْإِنْسَانَ قَدْ خُلِقَ ضَعِيفًا: قطعاً انسان ، ضعیف آفریده شده است .
- ۴) كَانَ الْإِنْسَانُ قَدْ خُلِقَ ضَعِيفًا: انسان ضعیف ، آفریده شده بود .

۴۷- فِي أَيِّ الْعِبَارَةِ مَا جَاءَ «أَسْلُوبُ الْحَالِ»؟

- ۱) جَلَسَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ أَمَامَ التَّلْفَازِ مُشْتَاقِينَ .
- ۲) لِمَ تَبْكِي الْأُمُّ وَقَدْ كَانَتْ فِي الْحَجِّ فِي الْعَامِ الْمَاضِي؟! .
- ۳) نَظَرَ «عَارِفٌ» إِلَى وَالِدَيْهِ، فَرَأَى الدَّمْعَ تَتَسَاقَطُ مِنْ أَعْيُنِهِمَا .

۴) لَكِنِّي أَحَبُّ أَنْ نَذْهَبَ لِمَزَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ أَيْضًا .

۴۸- فِي أَيِّ عِبَارَةِ جَاءَ «أَسْلُوبُ الْحَالِ»؟

- ۱) أَنَا أَتَذَكَّرُ جَبَلَ النُّورِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ يَتَعَبَّدُ فِي غَارِ حِرَاءٍ .
- ۲) الْغَارُ يَفْعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ، لَا يَسْتَطِيعُ صُعُودَهُ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ .
- ۳) لَا تَطْلُبْ مِنِّي أَنْ أَذْهَبَ إِلَى قِمَّةِ هَذَا الْجَبَلِ وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ رِجْلِي تُؤَلِّمُنِي .
- ۴) الْيَوْمَ يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ الْفَرِحُونَ فَرِيقًا فَائِزًا .



٤٩- أيُّ العبارة يَخْتَلِفُ مَعَ الأخرى في « أسلوبِ الحالِ » ؟

- (١) هاتانِ البنتانِ قامتا بِجَوْلَةٍ عِلْمِيَّةٍ فِي الأِنْتَرِنِتِ مُبَسِّمَتَيْنِ .
- (٢) ..... الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ .
- (٣) ..... ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً .
- (٤) كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ .

٥٠- عَيِّنِ العبارةَ الخاليةَ ( في أسلوبِ الحالِ ) :

- (١) شاهدتُ جماعةً مِنَ المُسافِرِينَ واقِفِينَ أَمَامَ مَسْجِدِ القُريَةِ .
- (٢) إِنَّهَا تُطَلِّقُ قَطْرَاتِ المَاءِ مُتتَالِيَةً مِنْ فَمِهَا .
- (٣) سَمَكَةُ التِّيَلِيَا مِنْ أَعْرَبِ الأَسْمَاكِ تُدَافِعُ عَنْ صِغارِهَا وَ هِيَ تَسِيرُ مَعَهَا
- (٤) كَانَ السَّيِّدُ مُسْلِمِيٌّ رَجُلًا صَادِقًا وَ صَبَراً وَ مُحْتَرَمًا .

٥١- ما هو الصَّحِيحُ للفراغِ لإيجادِ أسلوبِ الحالِ ؟ « لا تَقُمْ إلى الصَّلَاةِ ..... »

- ١- تَكاسَلُ ٢- تَكاسَلًا ٣- مُتَكاسِلًا ٤- يَتَكاسَلُ

٥٢- في أيِّ عبارةٍ ما جاءَ الحالُ ؟

- (١) يَجْتَهِدُ الطَّالِبُ في عَمَلِهِ كَثِيراً
- (٢) يَجِلسُ الوالِدُ في الغُرفةِ فَرِحاً
- (٣) تَأْكُلُ سَمَكَةُ السَّهْمِ الفريسةَ حَيَّةً
- (٤) ساعِدُ أَحَاكِ وَ هُوَ مَظْلومٌ

٥٣- ما هو الخِطَاءُ في أسلوبِ الحالِ ؟ « دَخَلتِ المَعْلَماتُ في الصُّفوفِ ..... »

- (١) مُبْتَسِماتٍ (٢) مُتَعَجِّباتٍ (٣) وَ هُنَّ مُبْتَسِماتٌ (٤) وَ هُنَّ في طَريقِ المَدْرَسَةِ

٥٤- في أيِّ جُملةٍ جاءَ الحالُ ؟

- (١) سَنَشْرِكُ مُتَأخِّرِينَ في الجُلُوسَةِ
- (٢) الطَّالِباتُ يَأْتِينَ مَعَ آبائِهِنَّ
- (٣) لَيْتَ صَدِيقِي كانَ حَيًّا
- (٤) كانَتِ المَدْرَسَةُ مُزْدَحِمَةً

٥٥- أيُّ جِوابٍ لَيْسَ مُناسِباً للحالِ ؟

- (١) خاشعاتٍ (٢) مسرورين (٣) ضِعفاً (٤) مُحْتَرَمًا

۵۶- عین الخطأ فی الحال :

(۱) أرجو لك التوفيقَ و النَّجَاحَ و انتَ زَمِیلِی .

(۲) ذَهَبَ الْمُجَاهِدُونَ إِلَى جِبْهَاتِ الْحَرْبِ الْمُكْبِرِينَ

(۳) دَخَلَتِ الْمُعَلِّمَةُ الصَّفَّ فَوَقَفْنَا شَاكِرَاتٍ لَهَا

(۴) اجتمع المسلمون في ساحة المدينة مطالبين بحقوقهم.

۵۷- فی أيّ العبارة ما جاءت « الواو الحالیة »؟

(۱) وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ.....

(۲) أعضاء الأسرة يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي الْمَطَارِ وَ هُمْ يَرْكَبُونَ الطَّائِرَةَ.

(۳) إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ.

(۴) لِمَ لَمْ تَبْكِي وَ ذَهَبْتِ إِلَى الْحَجِّ فِي الْعَامِ الْمَاضِي؟!

# مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)